فصلنامه علمی
پژوهش‌های نهج‌البلاغه
سال بیستم / پاییز ۱۴۰۰/ شماره ۷۰

صفحات
۲۱۱-۲۲۶

Quarterly Journal of
Nahjolbalagheh Research
Vol. 20, Autumn 2021, No. 70

نماد سازی هنری در کلام تصویری نهج‌البلاغه

فرهاد کاروان */ طاهره حق طلب **

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نماد و پرداخت تصویری از معانی آن بر اساس فرهنگ نهج‌البلاغه و نیز بررسی تطبیقی آن با نظریه نمادسازی هنری انجام شد.روش این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده است. جهت جمع آوری داده ها از طریق نمونه گیری هدفمند از نهج البلاغه، تعدادی از خطبه ها، نامه ها و حکمت های آن انتخاب شدند. برای رسیدن به این منظور، منابع پژوهشی مورد تحلیل قرار گرفتند. از آنجایی که این پژوهش بدنبال پاسخگویی به دو سوال اساسی مبنی بر این که تصویرسازی در نهج‌البلاغه به چه شیوه‌ای است؟ و تصویر در نهج‌البلاغه از نظر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن چگونه بیان می‌شود؟ لذا نتایج نشان داد که نهج البلاغه توانسته‌است نماد را با تصویر در قالب‌های مختلف پردازش کند، و نیز تصویر را درقالب کلام بپروراند و به مخاطب برساند. همچنین مؤلفه‌های اصلی تصویر در نهج‌البلاغه در شش مؤلفه بیان شد و بر اساس ملاک های عینی و ذهنی مطابق نظریه پردازان روان فیزیکی نیز قابل تبیین بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصویرسازی کلامی امام علی(ع) می‌تواند بسیاری از حقایق دینی و معارف توحیدی را در قالب محسوس و عینی به نمایش دربیاورد و بازنمایی خوبی از حقایق باشد. با توجه به موارد بررسی شده می‌توان گفت نهج‌البلاغه به خوبی توانسته‌است رسالت هنری خود را انجام دهد و مفاهیم، باورها و اعتقادات دینی را در قالب هنر تصویری به اذهان برساند.

واژگان کلیدی

امام علی(ع)، نهج‌البلاغه، نماد، نماد هنری.

*. گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) f.karvan@iauh.ac.ir

**. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران Haghtalab3553@yahoo.com

1-مقدمه

هرگاه نخستین و مهمترین رسالت هنرهای زیبا در زندگی انسان ارتقای روح او در مسیر دریافتن نشانه‌های زیبای الهی در هستی و لذت بردن از آنها باشد، بی‌گمان اسلام نیز در این راه گام‌های بلندتری برمی‌دارد تا این هنرها را از جمله راه‌هایی قرار دهد که بتواند پیام خود را برساند. هنر وسیله‌ای کارساز برای رساندن دین به مردم است. در واقع هنرمند سعی می‌کند با زبان تصویری از قبیل استفاده از کلمات، عبارات و آیات پیام خود را به مخاطب منتقل سازد.

تصویر در هنر، معمولاً به تجسم بصری مانند تصاویر نقاشی، خیال ذهنی حاصل از اینگونه تصاویرو بیان ادبی اطلاق می‌شود. در اصطلاح ادبی، تصویرغالباً به صورتهای توصیفی یا زبان مجازی گفته می‌شود که برای ایجاد خیال و تأثیر در ذهن خواننده به کار می‌رود (فتوحی، ۱۳۸۱: ۱۰۶). از آنجایی که تصویر، ایجاد هماهنگی و تناسب میان اندیشه و سبک است و به تبع مفهومی ذهنی و انتزاعی را برای مخاطب نشان می‌دهد(سیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، لذا نیاز به شناسایی نوع پیام و پیام گیران، انواع تصویر، مؤلفه‌های تصویر جهت تصویرسازی است؛ و پرداختن به این مقوله نیز همواره مورد توجه هنرمندان و متخصصان این حوزه بوده است. مفهوم تجسم و بدنبال آن تصویرپردازی به شکل‌های گوناگونی از جمله شعر، پرداخت ادبی، نقوش و .... صورت می‌گیرد. این مطالعه این امر را میسر می‌گرداند تا بتواند بر اساس ملاک‌ها و شواهد علمی آن‌ها را در کلام امام علی(ع) که سرشار از تصاویر ادبی زنده و پویا است، تبیین نماید.

۱-۲-پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع و نیز جایگاه والای نهج البلاغه پژوهش های زیادی در رابطه با هنر تصویرآفرینی صورت گرفته است ولی از نظر بررسی تطبیقی با نظریه پردازان هنری موضوعی جدید است.از جمله مطالعات انجام شده می توان به مقالاتی چون تصویرآفرینی از مظاهر هستی در نهج البلاغه اشاره کرد. در این مقاله، نهج البلاغه بعنوان زبان تصویر با همه وجود انسان؛ عقل، حس و وجدان او معرفی می‌شود (عباسی، ۱۳۹٤). در پژوهشی دیگر، انواع تصویر در نهج‌البلاغه بررسی می شود و آن را به انواع مختلفی مثل تصویر زبانی، مجازی، جزئی، مفرد، بافتی، ساکن، متحرك، اثباتی، اتفاقی، تصویرسطح، اعماق و... تقسیم کرده است (حسومی، ۱۳۹۳) . در مقاله ی دیگری به تأثیر خیال در ترسیم تصاویر اشاره شده است(جلیلیان و همکاران ،۱۳۹۲)

همچنین پژوهشی در زمینه هنر تصویر آفرینی در نهج‌البلاغه و اقسام تصویرآفرینی نیز انجام شده است(محمدقاسمی ،۱۳۸٦). هدف پژوهش حاضر بررسی نماد و پرداخت تصویری از معانی آن بر اساس فرهنگ نهج البلاغه و نیز بررسی تطبیقی آن با نظریه نمادسازی هنری است.به همین منظور ابتدا مفهوم ، نماد و تصویر سازی معرفی می شود.

۱-۳- شیوه پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی و تبیین موضوع نماد و تصویرسازی هنری از دیدگاه نهج البلاغه و هنر

است.لذا روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و متکی بر مطالعه کتابخانه‌ای است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای مبتنی برکتب، مقالات و نشریات استفاده شده‌است.

۱-٤-سئوالات پژوهش

این پژوهش، ابتدا نماد را در قالب کلام تصویری از دیدگاه نهج‌البلاغه بررسی می کند؛ سپس به چگونگی تصویرسازی در هنر و نهج‌البلاغه، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تصویر در نهج‌البلاغه می‌پردازد. به عبارتی این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سئوالات زیر است:

- تصویرسازی در نهج‌البلاغه به چه شیوه‌ای است؟
- تصویر در نهج‌البلاغه از نظر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن چگونه بیان می‌شود؟

۲-بحث و بررسی

اگر هنر بیان حکمت، معنویت، روحانیت و نامحسوسات در قالب ماده و محسوسات تعریف شود، آن‌چه که انسان را به سمت ادراک باطن اثر هنری[1] هدایت می‌نماید، نماد است. نماد، علامتی است بصری که مبین مفهومی خاص است؛ خواه به صورت تصویری[2] باشد یا به شکل کلامی و یا صورتی دیگر. تصویر و تصویرپردازی از موضوعات مورد بررسی علمی است. روانشناسان در قالب نظریه مفهوم آموزی آن را توضیح می دهند.

۲-۱-مفهوم سازی و نظریات آن

یکی از راه‌های برخورد انسان با پدیده ها و رویدادهای مختلف محیطی تمیز دادن میان آنهاست. تمیز دادن نوعی شناسایی است که بر تفاوت‌های میان پدیده ها یا محرک‌ها متکی است. راه دیگر برخورد انسان با محیط، دسته بندی کردن رویدادها یا محرک‌ها براساس شباهت‌های میان آنهاست. این دسته بندی یا طبقه بندی محرک‌ها یا رویدادها یادگیری مفهوم یا مفهوم سازی نام دارد.اصطلاح مفهوم نه برای نشان دادن طبقه ای از رویدادها بلکه برای مشخص‌کردن یک محرک یا رویداد خاص به کار می‌رود(سیف، ۱۳۹۵، ۳٦۱).بر فرایند مفهوم‌سازی که نهایتا در قالب تصویر و نماد خود را نشان می‌دهد،نظریاتی حاکم است:

-نظریه کلاسیک مفهوم‌سازی: موارد خاص یا مصداق‌های یک مفهوم با توجه به صفت‌های تعریف کنندهٔ آن شناسایی می‌شود. یعنی اینکه یک شیء یا یک مورد در صورتی مصداق درست یک مفهوم به حساب می‌آید که دارای تمامی صفتها یا ویژگی‌های تعریف کنندهٔ آن مفهوم باشد(سیف، ۱۳۹۵، ۳٦۵).

-نظریه الگوی اصلی مفهوم‌سازی: در نظریهٔ الگوی اصلی مفهوم‌آموزی فرض نمی شود که افراد مصداق‌های یک مفهوم را با توجه به صفت‌های شاخص یا تعریف کنندهٔ آن شناسایی می‌کنند، بلکه در این نظریه این گونه فرض می‌شود که افراد از یک مفهوم یک الگوی اصلی می‌سازند که بهترین مُعرف آن مفهوم یا آن طبقه است(اِگِن و کاوچاک، ۲۰۱۲ به نقل از سیف،۱۳۹۵) .

۱- Art

۲- Imagination

-نظریه نمونه مفهوم‌سازی: بنا به این نظریه، افراد صرفاً یک الگوی اصلی از یک مفهوم در ذهن خود تشکیل نمی دهند، بلکه نمونه‌هایی از آن مفهوم را که بهترین مثال‌های آن است در ذهن ذخیره سازی می‌کنند. بنا به گفته مورنو[۳](۲۰۱۰)، نمونه‌ها مثال‌های کاملاً مشخصی از طبقه یا مقولهٔ تشکیل دهندهٔ مفهوم‌اند. برخلاف الگوهای اصلی که بازنمایی‌های ذهنی به ظاهر انتزاعی هستند، نمونه‌ها مثالهایی واقعی‌اند که به وسیلهٔ افراد تجربه می‌شوند.

با بررسی و وارسی در نهج البلاغه می‌توان نمونه‌هایی از این مفهوم‌سازی‌ها را دید؛ مفاهیمی که در قالب آن نماد و تصویر شکل می‌گیرد.

۲-۲-نمادسازی

نماد بیشتر بر مفاهیم انتزاعی و برخاسته از ناخودآگاه تأکید دارد تا منطق خودآگاه و متفکرانه؛ نماد به شکلی غیرمستقیم ما را به شناخت مدلول خود هدایت می‌کند، زیرا برای بیان و تعریف مستقیم مدلول عبارت رسا و وافی وجود ندارد. نماد از تصویری محسوس و شناخته شده به امری متعالی و ناشناخته و مبهم می‌رسد، و با اینکه مفهومش بارها و بارها گشوده می‌شود، اما همچنان زنده باقی می‌ماند (کوپر[٤]، ۱۳۸۰ : ۱).

نمادگرایی جزو قدیمی‌ترین روش‌های بیان مفاهیم محسوب می‌شود؛ به طوری که انسان بدوی غایات مطلوب خویش را در قالب نماد بیان کرده و می‌کوشید از طریق علایم نمادین(حیوانی، انسانی، گیاهی، تلفیقی) با همنوعان خود ارتباط برقرار کند. در هنرهای تجسمی، نماد، تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضع به صفات ویژهٔ شکل، رنگ و حرکت و... تعریف شده است(پاکباز، ۱۳۸۷: ٦٠٤). آنیلا ژافه[٥] در باب نمادگرایی در هنرهای تجسمی می‌گوید: تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هرچیزی می‌تواند معنای نمادین پیدا کند، مانند اشیاء طبیعی(سنگ‌ها، حیوانات و ...) یا آنچه دست‌ساز انسان است(خانه، کشتی و ...) و حتی اشکال تجریدی(اعداد، دایره، ...) در حقیقت تمامی جهان یک نماد بالقوه است و انسان با گرایش طبیعی که به آفرینش نمادها دارد به گونه‌ای ناخودآگاه اشیاء یا اشکال را تغییر می‌دهد تا حالتی مذهبی یا هنری بخود بگیرند(یونگ[٦]، ۱۳۸۳: ۳۵۲).

اما در چگونگی نمادگزینی دو روش عمده معرفی می‌شود:

الف. واقع‌گرایی: شیوه‌ای که هنرمند با توجه به میزان ادراک و تصور خود از موضوع، آن را به برخی جلوه‌های طبیعی ربط می‌دهد؛ در نتیجه درصدد انتخاب نقشی برمی‌آید که برای انسان شناخته شده و از طبیعت الهام گرفته شده‌است.

ب.انتزاعی: در این روش، هنرمند با توجه به نوع برداشت خود از موضوع، جهان بینی و ویژگی‌های زمانی و مکانی، در صدد خلق و ابداع عنصر نمادین است. به این روش هنرمند، سعی در شناخت هرچه بیشتر

۳- Moreno, R.

٤- Copper

٥- Aniela Jaffé

٦- Young

و دقیق‌تر ویژگی‌ها و جنبه‌های موضـوع دارد تا بدین وسـیله عناصـر تا حد امکان بتواند پاسـخگوی ذهن و احساس هنرمند و مخاطب از موضوع باشد. این گونه است که عناصر نمادین رشد کرده و پرورش پیدا می‌کند. (کفشچیان مقدم، ۱۳۹۰: ٦٦).

جدول۱-گونه‌های عناصر نمادین در تصویرگری (کفشچیان مقدم، ۱۳۹۰: ٦٨).

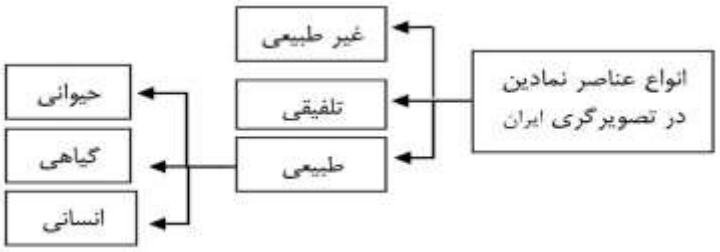

۲-۳- تصویر سازی

برای مفاهیم تصـویر و تصـویرسازی تعاریف گوناگونی ارائه شده و هر کدام از زاویه‌ای خاص به این موضوع جالب نگاه کرده‌اند. تصاویر ذهنی نقش بسته در ذهن ما به طور عمده حاصل دو عامل است:

۱) اطلاعات دریافت شده از محیط به صورت منظر ادراک شده و زمینه ساز تصویر ذهنی است.

۲) خاطرات، تجربه‌ها، آرزوها و توقعات که پیوند میان انسان‌ها و محیط را زمینه‌سازی می‌کنند.

تصـویر از دیدگاه بلاغت سـنتی دوسـویه دارد: صـورت و مفهوم. مقصود اصلی از تصویر، مفهوم آن است و صـورت، ابزار توضـیح و ترسـیم آن مقصـود و کار رسـانه را انجام می‌دهد. بنابراین، صـورت در خدمت مفهوم است(فتوحی، ۱۳۸۱: ۱۲۰). یکی از راه‌های برخورد انسان با پدیده‌ها و رویدادهای مختلف محیطی تمیز دادن نوعی شناسایی است که بر تفاوت‌های میان پدیده‌ها یا محرک‌ها متکی است. راه دیگر برخورد انسان با محیط، دسـته‌بندی کردن رویدادها یا محرک‌ها براساس شباهت‌های میان آن‌ها یا همان مفهوم است(سیف، ۱۳۹۵: ٣٦١).

گرچه تصـویر ذهنی یک تصـویر اسـت اما به اطلاعات بصـری خلاصـه نمی‌شـود، بلکه دربردارندهٔ کلیه ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی پدیده‌ها و مکان‌های پیرامون ما اسـت و شـامل کلیه معانی و عواطفی اسـت که با یادآوری آن پدیده در ذهن ما تداعی می‌شود (پاکزاد، ١٣٩٤: ٢١٦).

۲-۳-۱- انواع تصویر

دریافت پیامهای بینایی اصـولاً از دو طریق امکان پذیر است. در روش جزءبینی تصویر کلی از راه اطلاعاتی جدا از هم، جزء به جزء تصویر کلی دریافت می‌شود و تمامی پیام نیز مجموعه‌ای از اجزاء آن تلقی می‌شود.

نظریهٔ گشـتالت درسـت بر خلاف نظریه بالاسـت و بر این اسـاس اسـت که اول شـکل کلی تشـخیص داده می‌شود و سپس اجزاء آن ثبت می‌گردند.

در نگاه اول به نظر می‌رسـد که بین این دو تئوری تضـاد کامل وجود دارد و هریک ناقض دیگری اسـت اما چنین نیست. این دو نظریه عکس یکدیگرند و برحسب مورد گاهی این و گاهی آن روش دیدن بر دیگری برتری دارد. انسـان که گیرنده پیام اسـت در یک واحد زمان تنها قادر اسـت مقدار مشـخصـی از اطلاعات را به عنوان

کلیت یک تصـویر دریافت نماید. هرآینه اطلاعات واصـله بیش از آن مقدار باشـد، ذهن گیرنده یا بایسـتی از این اطلاعات صرفنظر کند و یا به جزء بینی بپردازد. (گروتر، ۱۹۸۷: ۳۱).

نگـاه کلی به جهان را یک مجموعهٔ هماهنگ دیدن، که امام﵇ با اثبات این طرز تفکر در نهج البلاغه، به اثبـات وجود خـدای هماهنـگ کننـده و مدیر و مدبر ازلی می پردازد. مانند : خطبه ۹۱ و ۱۸۵ و ۱۹۲ و ۱۸۳ و ۱۶۳ و ۱۸۶ و ۱۶۵ و ۱۶۰ ... (دشتی، ۱۳۷۹، ۶۹).

یکی از طرحهای زیبا و ارزشمند آموزشی «طرح کل نگری» است که در سراسر مباحث نهج البلاغه بچشم می خورد و اصـولاً دیدگاه نهج البلاغه، یک دیدگاه جامع و کاملی اسـت که جهان و انسان را آنگونه که هستند، و باید باشند می نگرد.

در طرح کل نگری یا تفکر سیسـتماتیک، نهج البلاغه جهان را یک مجموعهٔ منظم و یک سیستم دقیق و هماهنگ می نگرد و معرفی می کند.کل نگری و تفکر سیسـتمیک یعنی کل مجموعه را دیدن، و به محصـول عالی آن و اهداف تکاملی آن نگریسـتن و در رابطه با بررسـی همه جوانب این نظام احسـن الهی نتیجه گرفتن، بگونه ای که از قضاوتهای تک بعدی بپرهیزیم و جهان را آنگونه که هست بنگریم(همان، ۱۳۱).

۲-۳-۲-ملاک های تصویر

زمانی که تصـویر در ذهن انسـان شـکل می‌گیرد، می‌تواند بر اسـاس ملاک‌های مختلف، تصـاویر مختلف ایجاد کند. پرداخت تصـاویر در موضـوعات معینی با توجه به نمادها، نگرش ها، باورها و اعتقادات صـورت می گیرد. در نهج‌البلاغـه تصـــاویر بر اســـاس نمـادهـای واقعی و انتزاعی شـــکـل گرفتـه و حتی عنـاصـــر نمادین(طبیعی،غیرطبیعی و تلفیقی) را می توان در گونه‌های مختلف تصـویری دید و بر این مبنا تصویر با توجه به ملاک‌های زیر بررسی می‌شوند.

جدول۲-ملاک‌های تقسیم بندی و انواع تصویر

ملاک تصویر	انواع تصویر	مثال
ترکیب	بسیط- غیر بسیط	نامه‌ی۳۱ (زنان)-حکمت ۴۶۵(عمل انصار)-خطبه‌ی ۱۶(تقوا)
تجسم	متحرک- غیر متحرک	خطبهٔ ۷۳
عملکرد	مستقل -غیرمستقل	خطبهٔ ۳۴(ناتوانی در تصمیم‌گیری و متفرّق بودن اندیشه و افکار و ارادهٔ یاران خود)
عمق	مرکزی- غیرمرکزی	خطبهٔ ۱۱۹(خود)
معنا و مفهوم	حقایق دینی، حالات و امور روحی انسان‌ها و امور معمول	خطبه(۱۹۹،۹۱،۱،۲۱۱،۲،۱۰۸،۱۴۷،۱۶)-نامه(۳۱،۱۶)-حکمت(۱۹،۱۷۴)

۲-۳-۲-۱-ترکیب:

تصاویر نهج‌البلاغه با توجه به ساختارشان به دو نوع اساسی تقسیم می‌شوند: بسیط و غیر بسیط. تصویر غیر بسیط، همان تصویری است که یک پدیده را به ذهن می‌آورد. این قول حضرت﵇ در نامه ۳۱ که درباره زنان فرمود:

فإنّ المرأة ریحانة ولیست بقهرمانة. زن گلی ظریف است، نه خدمتکار و کارگزار.

شنیدن نام گل، تصویر آن را در ذهن متبادر می‌کند، چنان که شنیدن نام زن نیز تصویر آن را در ذهن مجسم می‌سازد. این تصاویر، جزئی و ساده هستند.

تصویر بسیط از جمع غیر بسیط‌ها شکل می‌گیرد. امام ﵇ در حکمت ٤٦٥ می‌فرمایند:

« هُمْ وَاللَّهِ رَبَّوُا الْإِسْلَامَ كَمَا يُرَبَّى الْفِلْوُ، مَعَ غَنَائِهِمْ بِأَيْدِيهِمُ السِّبَاطِ وَأَلْسِنَتِهِمُ السِّلَاطِ ».

« به خدا قسم که ایشان با ثروتشان اسلام را-چون کره اسب از شیرگرفته که تربیت می‌کنند-با دست پرسخاوت و زبان‌های تیزشان تربیت کردند».

امام ﵇ عمل انصار را در پروراندن اسلام و حمایت از آن، به تربیت کره اسب تشبیه کرده‌است. و یا در جای دیگر حضرت علی ﵇ در خطبه١٦، با قرار دادن تقوا درمقابل گناه، تابلویی زیبا در برابر چشم مخاطب قرار می‌دهد:

أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجُمُهَا فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُلٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأُعْطُوا أَزِمَّتَهَا فَأَوْرَدَتْهُمُ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَبَاطِلٌ وَلِكُلٍّ أَهْلٌ فَلَئِنْ أَمِرَ الْبَاطِلُ لَقَدِيماً فَعَلَ وَلَئِنْ قَلَّ الْحَقُّ فَلَرُبَّمَا وَلَعَلَّ وَلَقَلَّمَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ.

آگاه باشید! همانا گناهان چون مرکب‌های بدرفتارند که سواران خود (گناهکاران) را عنان رها شده در آتش دوزخ می‌اندازند. اما تقوا، چونان مرکب‌های فرمانبرداری هستند که سواران خود را، عنان بر دست، وارد بهشت جاویدان می‌کنند. حقّ و باطل همیشه درپیکارند، و برای هرکدام طرفدارانی است؛ اگر باطل پیروز شود، جای شگفتی نیست، ازدیرباز چنین بوده، و اگر طرفداران حق اندك‌اند، چه بسا روزی فراوان گردند و پیروز شوند، امّا کمتر اتّفاق می‌افتد که چیز رفته بازگردد.

در این خطبه، مفهوم تقوا در قالب تصویری بسیط به نمایش در می آید.

۲-۳-۲-۲-تجسم:

تصویر خیالی بر اساس ثابت بودن و یا جاری بودن به دو نوع کلی تصویرهای ثابت یا غیر متحرک و متحرك طبقه بندی می‌شوند.امام ﵇ در خطبه ۷۳ می‌فرمایند:

جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَالتَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ.

صبر و شکیبایی را مرکب نجات خود قرار دهد، زاد و توشه مرگش را تقوا بداند.

۲-۳-۲-۳-عملکرد:

تصویر، گاهی به فعالیتی مستقل اشاره می شود و گاهی به اینکه مستقل نمی توان عمل کرد..

حضـرت ﷺ در خطبه ۳٤ ، برای اثبات ناتوانی در تصمیم‌گیری و متفرّق بودن اندیشه و افکار و اراده یاران خود، آنان را به شتران بی‌ساربان تشبیه می‌کند:

مَاأَنْتُمْ إِلَّا كَإِبِلٍ ضَلَّ رُعَاتُهَا فَكُلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ انْتَشَرَتْ مِنْ آخَرَ.

شـما به سـان شـترانی هسـتید که سـاربان گم کرده باشـند؛ از هر سـویی که فراگرد آیند، ازجانبی پراکنده می‌شوند.

۲-۳-۲-٤-عمق:

حضــرت در بیان خود گاهی به عمق مفهومی و یا مرکزیت محور می‌پردازند گاهی آن را در بیان ســادگی مطرح می‌کنند. در خطبه‌ی زیر محوریت اسلام مطرح می‌شود.

حضرت ﷺ در خطبه ۱۱۹، خود را به قطب آسیاب تشبیه می‌کند و می‌فرماید:

« وَإِنَّمَا أَنَا قُطْبُ الرَّحَى تَدُورُ عَلَيَّ وَأَنَا بِمَكَانِي فَإِذَا فَارَقْتُهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا وَاضْطَرَبَ ثُفَالُهَا ».

در حالی که من همچون محور سـنگ آسـیاب و قطب این گردونه‌ام و باید در مرکز خود اسـتوار باشـم تا همه امور پیرامون من جریان و گردش داشته‌باشد، و اگر از مرکز خود دور شوم، نظام امور گسیخته می‌شود، و بنیان حکومت سست و لرزان می‌شود.

۲-۳-۲-۵-معنا و مفهوم:

از آنجایی که هنرمند قادر اسـت بر هر دو سـطح خودآگاه و ناخودآگاه بر مخاطب تأثیر گذارد؛ و این انتقال معنا از طریق زبان ممکن اسـت، برای انتقال آن نیاز به زبانی مشترک با مخاطب دارد. این زبان مشترک به سه شکل قابل تعریف است: طبیعت، رخدادهای مستدل و فرهنگ. (افتخارزاده،۱۳۹۲ : ۳۵۲).

در نهج‌البلاغه نیز حقایق دینی بسـیاری را می‌توان سـراغ گرفت که با توصـیفاتی مادی و محسـوس و در قالب‌هایی زنده مجسـم به نمایش درآمده‌اند. در کلام حضـرت امیر ﷺ مفاهیم مختلف تصـویرسازی از حقایق دینی(دین، غیـب، انتقـام الهی، تقوا، دعا، نماز، گناه)، حالات و امور روحی انســان‌ها(غضــب، آرزو، کینه) و طبیعت (آسمان، کوه، ابر، زمین) به تصویر کشیده شده و انواع مختلفی از تصاویر خلق شده‌است.

جدول۳-نمونه هایی از تصویرسازی بر اساس معنا و مفهوم در نهج البلاغه

واژه	تصویر	منبع
دین	در نقش «ریسمانی» می‌بینیم که بشریت را از چاه گمراهی و ضلالت نجات می‌دهد.	اتَّخَذَهُ فِيهَا حَبْلَ الدِّينِ...(خطبه۲)
غیب	همچون «پرده هایی»ترسیم شده که علم الهی آنها را یک به یک می‌شکافد.	خَرَقَ عِلْمُهُ بَاطِنَ غَيْبِ السُّتُرَاتِ(خطبه۱۰۸)
انتقام الهی	همچون داسی به نمایش درآمده که علف های هرزه انسان‌های ستم پیشه را درو می‌کند.	وَ اخْتَصَدَ مَنِ اخْتَصَدَ بِالنِّقَمَاتِ(خطبه۱۴۷).
تقوا	چونان باران حیات بخشی مجسم می شود که کشتزار وجود انسان‌ها را سیراب می‌سازد.	لَايَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْخُ أَصْلٍ وَ لَا يَظْمَأُ عَلَيْهَا زَرْعُ قَوْمٍ(خطبه۱۶).
دعا	در نقش کلید گنج‌های خداوند.	جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ(نامه۳۱).
نماز	مانند باغبانی، برگهای پاییزی گناه را از درخت وجود انسان می‌زداید.	وَ إِنَّهَا لَتَحُتُّ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَقِ(خطبه۱۹۹).
گناه	همچون اسبی سرکش ترسیم می شود که سوار خود را عنان گسیخته در آتش می‌افکند.	أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ خُلِعَتْ لُجُمُهَا فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ(خطبه۱۶).
آرزو	در نقش اسبی تصویر می‌شود که اگر مهارش را رها کنند سوارش را به کام مرگ می‌فرستد.	مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ(حکمت۱۹).

ادامه جدول۳-الف- تصویرسازی بر اساس معنا و مفهوم در نهج‌البلاغه

واژه	تصویر	منبع
غضب	حیوانی که دندانهایش را برای دریدن طعمه تیز کرده است.	مَنْ أَحَدَّ سِنَانَ الْغَضَبِ لِلّهِ قَوِیَ عَلَی قَتْلِ أَشِدَّاءِ الْبَاطِلِ(حکمت۱۷۴).
تقوا	مرکبی رام که سوارهاش را به بهشت رهنمون می‌سازد و درمقابل، گناهان را به صورت اسب های سرکشی که افسارگسیخته، سواران خود را وارد آتش می‌کنند.	ألا و إنّ الخطایا خیل شمس حمل علیها أهلها و خلعت لجمها فتقحّمت بهم في النّار ألا و إنّ التّقوی مطایا ذلل حمل علیها أهلها وأعطوا أزمّتها فأوردتهم الجنّة. (خطبة ۱۶)
کینه	کینهٔ عایشه نسبت به حضرت را همچون دیگ آهنگری که به جوش آمده‌است. خدایا دشمنی پنهان آشکار شد و دیگ کینه‌ها به جوش آمد.	اللّهمّ قد صرّح مکنون الشّنآن و جاشت مراجل الأضغان.(نامة ۱۵)
زمین	زمین را بر روی امواج پرهیجان و دریاهای مملو از آب قرار داد... .»	«کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی مَوْرِ أَمْوَاجٍ ...(خطبه ۹۱)
آسمان	هفت آسمان: آسمان پایین را همچون موج مهار شده‌ای قرار داد و آسمان برترین را همچون سقفی محفوظ و بلند. بی‌آن که ستونی برای نگاهداری آن باشد و نه میخ‌هایی که آن را ببندد. سپس آسمان پایین را به وسیله کواکب و نور ستارگان درخشنده، زینت بخشید و چراغی روشنی بخش و ماهی نورافشان در آن به جریان انداخت، در مداری متحرک و سقفی گردان و صفحه‌ای جنبنده.»	فَسَوَّی مِنْهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مَوْجاً مَکْفُوفاً وَ عُلْیَاهُنَّ سَقْفاً مَحْفُوظاً وَ سَمْکاً مَرْفُوعاً بِغَیْرِ عَمَدٍ یَدْعَمُهَا وَ لا دِسَارٍ یَنْظِمُهَا ثُمَّ زَیَّنَهَا بِزِینَةِ الْکَوَاکِبِ وَ ضِیَاءِ الثَّوَاقِبِ وَ أَجْرَی فِیهَا سِرَاجاً مُسْتَطِیراً وَ قَمَراً مُنِیراً فِی فَلَکٍ دَائِرٍ وَ سَقْفٍ سَائِرٍ وَ رَقِیمٍ مَائِرٍ ... (خطبه۱)

ادامه جدول۳-ب-تصویرسازی بر اساس معنا و مفهوم در نهج‌البلاغه

واژه	تصویر	منبع
کوه	کوه‌ها را از جاهای پست و صاف زمین برافراشت و پایه‌های آنها را در درون و اعماق زمین فرو برد و قله‌های آنها را بسیار بلند قرار داد و نوک آنها را طولانی ساخت و آنها را تکیه گاه‌ها و ستون‌های زمین و همانند میخ‌های پابرجا در زمین استوار کرد، از این رو با داشتن حرکت آرام گرفت تا ساکنان خود را از لرزش و سقوط و خرابی و فساد نگه دارد.	وَ جَبَلَ جَلَامِيدَهَا وَ نُشُوزَ مُتُونِهَا وَ أَطْوَادَهَا فَأَرْسَلَهَا فِي مَرَاسِيهَا وَ أَلْزَمَهَا قَرَارَاتِهَا فَمَضَتْ رُءُوسُهَا فِي الْهَوَا وَ رَسَتْ أُصُولُهَا فِي الْمَاءِ فَأَنْهَدَ جِبَالَهَا عَنْ سُهُولِهَا وَ أَسَاخَ قَوَاعِدَهَا فِي مُتُونِ أَقْطَارِهَا وَ مَوَاضِعِ أَنْصَابِهَا فَأَشْهَقَ قِلَالَهَا وَ أَطَالَ أَنْشَازَهَا وَ جَعَلَهَا لِلْأَرْضِ عِمَاداً وَ أَرْزَاهَا فِيهَا أَوْتَادا فَسَكَنَتْ عَلَى حَرَكَتِهَا مِنْ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا أَوْ تَسِيخَ بِحَمْلِهَا أَوْ تَزُولَ عَنْ مَوَاضِعِهَا ... (خطبه۲۱۱)
ابر	هنگامی که ابرها سینه بر زمین نهادند و آب‌های فراوان(و سنگینی) را که حمل می‌نمودند فرو گذاردند، خداوند به وسیله آن در زمین‌های خشک و بی‌گیاه، نباتات فراوانی رویانید و از دامنه کوه‌های خشک، سبزه بسیار خارج ساخت.»	«فَلَمَّا أَلْقَتِ السَّحَابُ بَرْكَ بَوَانِيهَا وَ بَعَاعَ مَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ مِنَ الْعِبءِ الْمَحْمُولِ عَلَيْهَا أَخْرَجَ بِهِ مِنْ هَوَامِرِ الْأَرْضِ النَّبَاتَ وَمِنْ زُعْرِ الْجِبَالِ الْأَعْشَابَ.»(خطبه۹۱)

با بررسی مفاهیم و جداول فوق می توان گفت ، که چگونه نهج البلاغه توانسته است نماد را با تصویر در قالب های مختلف پردازش کند، و نیز تصویر را درقالب کلام بپروراند و به مخاطب برساند. به عبارتی نوعی تداعی روانشناسانه‌ای را برای ارسال پیام دینی انجام دهد.

۲-۳-۳-ویژگی‌های تصویر

رویکردهای مختلفی دربارهٔ مطالعهٔ کیفیت تصویر وجود دارد. لوتیان(۱۹۹۹)به تمایز میان رویکردهای عینی و رویکردهای ذهنی اشاره کرده است. در رویکردهای عینی، کیفیت بصری به سان امری ذاتی در منظر دیده می‌شود و در رویکردهای ذهنی، کیفیت بصری به نگاه مشاهده‌گر ارتباط می‌یابد (اگنس ای. ون دن برگ، ۲۰۱۲: ٦٢) به عبارتی، معنی اشیاء برای شخص ادراک کننده همانند یک فیدبک[۷] یا پس‌خوراند است که در چگونگی سازمان‌یابی ادراک او اثر می‌گذارد. (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۳٦).

بر اساس نظریه‌ی ادراکی گشتالت، برای شکل گیری یک مفهوم، شکل یا تصویر قواعد و اصولی حاکم است: آیا تصویر بر اساس شباهت بین امور شکل می گیرد؟ یا بر اساس مجاورت؟ آیا تصویر ساده ادراک می‌شود؟ تصویر در چه شکل و زمینه‌ای دریافت می‌شود؟ پاسخ این سئوالات بیانگر چگونگی تشکل ادراکی فرد بر اساس ویژگی‌های تصویر است(سیف، ۱۳۹۵: ۱۵۹)

۷- feed-back

۲-۳-٤-مؤلفه‌های تصویر

تصویرپردازی در اصطلاح به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیر مادی است. یا به عبارت دیگر، امور مجرده را به صورت مادی و محسوس و ملموس شناساندن و لباس مادی بر اندام آنها پوشانیدن است(محمدقاسمی، ۱۳۸٦: ۱۷٤). تصویرپردازی برای عینی نمودن و ملموس کردن مفاهیم ذهنی و انتزاعی به کار می‌رود. تصویرپردازی هنری به آثار ترنر بر می‌گردد که آن را در قالب عناصر، سازماندهی و زیبایی شناسی بررسی می‌کند(کاپن[۸]، ۱۹۹۹: ۱۰۳).

از جمله شیوه‌های بدیعی که در نهج‌البلاغه برای حیات بخشیدن به معانی و زنده جلوه دادن مفاهیم به کار گرفته شده شیوهٔ تصویرآفرینی است. در پرتو این شیوه، بسیاری از حقایق دینی و معارف توحیدی در قالب‌هایی محسوس و عینی به نمایش درآمده‌اند و موضوع‌های معنوی و روحی و حالات نفسانی جان گرفته و بر پردهٔ نمایش ظاهر شده‌اند(محمدقاسمی، ۱۳۸٦: ۱٦۷). و از آنجایی که تصویر سازی بر اساس مؤلفه‌های تصویر شکل می‌گیرد. عمده‌ترین این مؤلفه‌ها در جدول زیر آمده‌است.

جدول٤-مؤلفه‌های تصویر در نهج‌البلاغه

مؤلفه های تصویر	
بافت	اندیشه‌ی دینی و بیان اهداف دینی، تربیتی و اخلاقی
حقیقت	بازنمایی از حقیقت
تخیل	تحریک کنندهٔ خیال مخاطب
عاطفه	تأثیرگذاری معنا بر جان و دل مخاطب
زبان	زبان تصویر هنری
تناسب و نظم	ریتم یا آهنگ

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت که کلام امام (ع) بر مبنای بافت یا شکل اصلی پیام، عنصر نمادی واقعیت یا ذهنی بودن، روح و روان حاکم بر آن ارائه می‌شود، و نشانی از یک تصویر پردازی هنری در قالب عناصر نمادی، سازماندهی و نظم و زیبایی است.

۳.نتیجه

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل و بررسی سوال پژوهشی، مبنی بر این که تصویرسازی در نهج‌البلاغه به چه شیوه‌ای است؟ می توان گفت که تصویر و تصویرآفرینی؛ پرداخت مفهومی از معانی با تعابیری زنده و احساس برانگیز است، که این مهم با هنر و فنون هنری به نمایش در می‌آید. نهج‌البلاغه نیز با زبان تصویر با همه وجودِ انسان؛ عقل، حس و وجدان او سخن گفته است و از این روش برای انتقال هرچه بهتر و گویاتر پیام‌های آسمانی و معارف توحیدی بهره گرفته‌است.

---

۸ - Capon, David Smith

جدول۵-چگونگی شکل گیری تصویر در نهج البلاغه

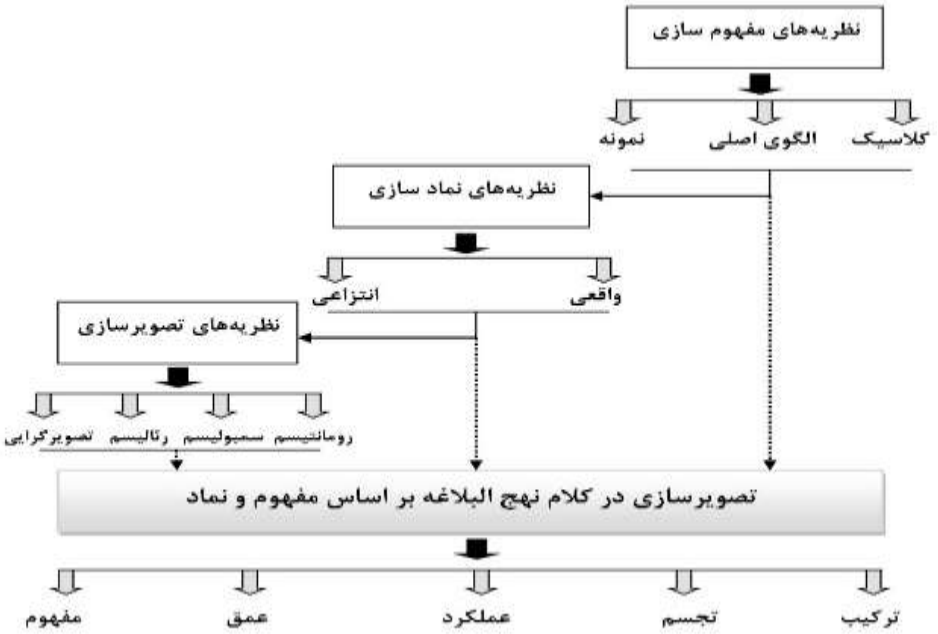

در واقع در هر اثر تجسمی، هنرمند نحوهٔ نگرش خود را به موضوعی خاص به تصویر می‌کشد و مجموعهٔ پیام‌های تصویری، باعث ارتباط بصری می‌شود. و مخاطب به سهم ادراک، فرهنگ و دانش خود با اثر ارتباط برقرار می‌کند. به عبارتی، هنرمند با توجه به میزان ادراک و تصور خود از موضوع، آن را به برخی جلوه‌های طبیعی ربط می‌دهد و یا با توجه به نوع برداشت خود از موضوع، جهان‌بینی و ویژگی‌های زمانی و مکانی، در صدد خلق و ابداع عنصر نمادین است. کلام امام علی(ع) به عنوان یک منبع دینی سرشار از تصاویر ادبی زنده و پویا است که فضایی با قابلیت درک حسی را برای مخاطبان ایجاد کرده است.

بعبارتی چگونگی دریافت تصویر و شکل‌گیری آن در قالب دو دیدگاه جزءبینی و گشتالت در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و براساس آن تصویر در ذهن انسان شکل می‌گیرد. نهج البلاغه توانسته‌است نماد را با تصویر در قالب‌های مختلف پردازش کند، و نیز تصویر را درقالب کلام بپروراند و به مخاطب برساند. به عبارتی نوعی تداعی روانشناسانه‌ای را برای ارسال پیام دینی انجام دهد. همچنین تصاویر در نهج‌البلاغه بر اساس ملاک‌های ترکیب، تجسم، عملکرد، عمق، و معنا و مفهوم با ذکر موارد موردی شناسایی شدند. بر اساس این دسته‌بندی‌ها تصویر ابعاد مختلفی دارد و حتی می‌تواند محتوا و مضامین خاصی را دربر بگیرد. به عنوان مثال تصویر بر اساس حقایق دینی، حالات روحی آدمی و حتی امور طبیعی نیز پرداخت شده‌است.

در تحلیل سئوال پژوهشی مبنی بر این که تصویر در نهج‌البلاغه از نظر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن چگونه بیان می‌شود؟ می توان گفت که ارزیابی تصویر در دو دیدگاه مهم عینی و ذهنی بحث شده و تصویر از جنبه‌های مختلفی مورد نقد قرار گرفته‌است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده ترکیبی محتاطانه از رویکردهای روان‌فیزیکی و روان‌شناسانه، ممکن است مبنایی کارآمد، قابل اعتماد و معتبر برای ارزیابی کیفیت تصویر به دست دهند. لذا ملاک‌های ارزیابی تصویر در نهج‌البلاغه دقیقاً بر مبنای همان قوانین ادراکی در

روانشـناسـی است. بر این اساس تصاویر در نهج‌البلاغه بر مبنای ملاک‌های عینی (تنوع و گوناگونی تصویرها، فشـردگی و تراکم تصـویرها، پیوستگی و بالندگی در تصاویر) و نیز ملاک‌های ذهنی (میزان اثرگذاری آن) قابل بررسی است.

همچنین مؤلفه‌های اصلی تصویر در نهج‌البلاغه بیان شد و در شش مؤلفه قابل تبیین است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصـویر می‌تواند بسـیاری از حقایق دینی و معارف توحیدی را در قالب محسـوس و عینی به نمایش دربیـاورد و بازنمایی خوبی از حقایق باشـد. مؤلفه‌های کلام تصـویری امام ﷺ نشـان می‌دهد که چگونه بر مبنای بافت یا شـکل اصـلی پیام، عنصـر نمادی واقعیت یا ذهنی بودن، روح و روان حاکم بر آن شکل گرفته، و نشانی از یک تصویر پردازی هنری و بیانگر عناصر نمادی، سازماندهی و نظم و زیبایی است.

با توجه به این که هنر وسـیله‌ای کارسـاز برای رسـاندن دین به مردم اسـت و هنرهای زیبا در زندگی انسـان مسـلمان شـکل گرفته لذا نهج‌البلاغه نیز به خوبی توانسـته‌اسـت این رسـالت را انجام دهد و مفاهیم، باورها و اعتقادات دینی را در قالب هنر تصویری به اذهان برساند.

منابع

.***نهج البلاغه***، سید رضی، ۱۳۷۸ش، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: تاظهور.

۱. افتخارزاده، ساناز، ۱۳۹۲ش، ***از آشوب ادراک تا شناخت معماری: نظریه‌ای نوین برای آفرینش معماری انسان مدار بر اساس قوانین آشوب***، تهران: علم معمار رویال.

۲. اگنس ای، ون دن برگ؛ جودیت آی، ام،دگروت، ۲۰۱۲م، ***مفاهیم پایه در روان‌شناسی محیطی***، ترجمه: سپیده برزگر، آناهیتا شهپری، تهران: کتاب فکرنو.

۳. ایروانی، محمود، ۱۳۸۰ش، ***روان‌شناسی احساس و ادراک***، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت).

٤. پاکباز،رویین، ۱۳۸۷ش، ***دایره المعارف هنر (نقاشی،پیکره سازی و هنرگرافیک)***، تهران: وزارت فرهنگ معاصر.

۵. پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۹٤ش، ***الفبای روانشناسی محیط برای طراحان***، تهران: انتشارات آرمانشهر.

٦. دشتی، محمد، ۱۳۷۹ش، ***طرحهای آموزشی نهج البلاغه***، قم: نشر موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۷. سیف، علی اکبر، ۱۳۹۵ش، ***روانشناسی پرورشی***، تهران: انتشارات آگاه.

۸. کاپن، دیوید اسمیت، ۱۹۹۹م، ***مبانی نظری معماری(۲)***، مترجم: علی یاران، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاداسلامی.

۹. کوپر، جی،سی، ۱۳۸۰ش، ***فرهنگ مصور نمادهای سنتی***، ترجمه: ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد، چاپ اول.

۱۰. گروتر، یورگ، ۱۹۸۷ش، ***زیبایی شناسی در معماری***، ترجمه جهانشاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.

۱۱. یونگ، گوستاو، ۱۳۸۳ش، ***انسان و سمبل هایش***،تهران: جامی.

مقاله ها

۱۲. جلیلیان، مریم؛خاقانی اصفهانی، محمد؛ زرکوب، منصوره، ۱۳۹۲ش، «بازتاب هنر تصویر بر سبک نامه‌های امام علی به معاویه»، ***فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه***، سال اول- شماره ٤،ص۱۸-۱.

۱۳. حسومی، ولی الله، ۱۳۹۳ش، « انواع تصویر در نهج‌البلاغه»، ***پژوهش نامه علوی***، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، ۷۷ - ٤۹.

١٤. سـیدی، سـیدحسـین، ١٣٨٧ش، مؤلفه‌های تصـویر هنری در قرآن، ***فصـلنامه اندیشـه دینی***، پیاپی٢٧، صفحات١٠٥-١١٦.

١٥. عباسـی، آزاده، ١٣٩٤ش، «تصـویرآفرینی از مظاهر هسـتی در نهج البلاغه»، ***فصـلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه***، سال پانزدهم، پاییز١٣٩٥، شماره٥٠، ٩-٢٩.

١٦. فتوحی، محمود، ١٣٨١ش، «تصـویر خیال»، ***نشـریه دانشـکده ادبیات و علوم انسـانی(تبریز)***، دوره٤٥، شماره١٨٥، ص١٠٣-١٣٣.

١٧. کفشـچیان مقدم، اصغر؛ مریم ،یاحقی، ١٣٩٠ش، «بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران»، ***فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر***، شماره نوزدهم، سال هشتم، ص٦٥-٧٦.

١٨. محمد قاسمی، حمید، ١٣٨٦ش، «هنرتصویر آفرینی در نهج‌البلاغه»، ***فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث***، سال چهارم، شماره اول، ١٣٨٦،ص١٩١-١٦٧.